

آغاز طرح تخفیف ۲۵درصدی خرید حضوری کتاب



طرح تخفیف ۲۵درصدی خرید حضوری کتاب آغازشد. به‌گزارش «فارس»، خریدارانی که در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند، می‌توانند با مراجعه مستقیم به کتاب‌فروشی‌های عضو ضمن ارائه اطلاعات فردی، کتاب‌های مدنظرشان را بخرند.
علاقه‌مندان می‌توانند تا ۱۰ اسفند ۱۴۰۱ با مراجعه به کتاب‌فروشی‌های عضو «سامانه خرید از کتاب‌فروشی» به‌صورت حضوری با یارانه ۲۵درصدی کتاب بخرند. در «سامانه خرید از کتاب‌فروشی» به هر کدملی که سیم‌کارت تلفن همراه به‌نامش ثبت شده باشد، یک میلیون ریال یارانه خرید کتاب تعلق می‌گیرد. این مبلغ به‌معنی ۲۵درصد تخفیف خرید تا سقف ۴۰۰هزار تومان است. به‌عبارت دیگر هر خریدار برای ۴۰۰هزار تومان خرید کتاب در این سامانه، فقط ۳۰۰هزار تومان پرداخت می‌کند.
امکان خرید بیشتر از ۴۰۰هزار تومان بدون یارانه نیز در سامانه فراهم است. خریداران برای خرید مجازی می‌توانند با مراجعه به «سامانه خرید از کتاب‌فروشی» به نشانی c.ketab.ir ضمن ثبت‌نام، کتاب‌های مدنظرشان را از کتاب‌فروشی‌های عضو بخرند و با پرداخت صرفاً ۸هزار تومان برای هر بسته پستی از هر نقطه کشور، کتاب‌های خریده‌شده را در نشانی ثبت‌شده تحویل بگیرند.
خریدارانی که پیش از این همه یا بخشی از یارانه‌ا‌سال را در سامانه مصرف کرده‌اند نیز می‌توانند این یارانه را دریافت‌و در خرید حضوری یا مجازی استفاده کنند. خریداران می‌توانند برای دریافت راهنمایی درباره فرایندهای ثبت‌نام و خرید کتاب از طریق «سامانه خرید از کتاب‌فروشی» هر روز از ساعت۹تا ۱۸ با شماره ۰۲۱-۹۱۰۰۹۸۹۸ (مرکز پشتیبانی و پاسخ‌گویی) تماس بگیرند.

معرفی کتاب

نگاهی به رمان «گریز از سال صفر»

۳۰۰ سال آینده دنیا چه شکلی است؟

«گریز از سال صفر» تلاش انسان‌های باقی‌مانده از جنگ‌های بزرگ است برای نجات از دست موجوداتی عجیب و مہمان‌ناپذیر، موجوداتی که طی قرن‌ها ذهن انسان را هدایت کرده‌اند برای نابود کردن خویش. در سال ۱۷۰۰ هجری شمسی، انسان به تمدنی درخشان و صلح و امنیت پایدار جهانی دست پیدا کرده است و تمام سلاح‌ها در زرادخانه‌های مشترک با نظارت تمام کشورها نگهداری می‌شود. در هیچ نقطه‌ای از دنیا نیازی به سلاح نیست، دانش بشری رفاه و آسایش بشر را فراهم کرده اما زمین خالی شده است از آب و اکسیژن. در چنین شرایطی موجوداتی ریز که زمانی میکروسکوپی بودند و تنها مانع ظهور و خودنمایی‌شان زمین سبز، آب و اکسیژن بود به سرعت رشد می‌کنند. شرایط زمین برای این موجودات فراهم است در نتیجه حیات انسان‌ها به خطر می‌افتد و انقراض بشر قطعی می‌شود.سلاح‌های باقی‌مانده از نسل‌های گذشته کارگر نیست، زمین عاری از درخت و سرسبزی است. آب و اکسیژن سهمیه است و روزانه به دست انسان‌ها می‌رسد. عرصه برای قدرت‌نمایی موجوداتی که خاک‌خوار نامیده می‌شوند مهیاست. در چنین شرایطی چند نوجوان دختر و پسر با ویژگی و علاقه مندی‌های متفاوت، ناگزیر وارد مبارزه با خاک‌خوارها می‌شوند. رمان «گریز از سال صفر» اهمیت توجه به زمین، مسائل زیست‌محیطی، پرهیز از تخریب طبیعت و اخلاق‌مداری را در قالب داستانی علمی-تخیلی با گزومی‌کند. در کنار این موارد نیم‌نگاهی هم دارد به آثار باستانی و اسطوره‌ها که به یاری انسان‌ها می‌آیند. در رأس این آثار به جا مانده از پیشینیان، سنگ افراشته‌های «شهریتری» در مشگین‌شهر به‌جا مانده از

هفت‌هزار سال پیش، راه مبارزه با خاک‌خوارها را به انسان‌ها نشان می‌دهند. رمان «گریز از سال صفر» اولین جلد از یک سه‌گانه است که در ۵۰۰ هزارو ۵۰۰ جلد توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چاپ شده است. جلد دوم این سه‌گانه با عنوان «بیداری آبقار» و جلد سوم آن با عنوان «راز روزنه» سال آینده به دست مخاطب‌ها خواهد رسید.

زین قنبدار

علیرضا حیدری امدرس ویراستاری

مدارک راه‌این‌نشانی را سال کنبد.

مدارک راه‌این‌نشانی یفر ستبد.

این کتاب‌ها را از یک دست‌فروش خریداری کردم.

این کتاب‌ها را از یک دست‌فروش خریدم.

تصمیم گرفتند حملات خود را کاهش دهند.

تصمیم گرفتند از شدت حملات خود بکاهند.

اگر فعل ساده داشته باشیم، بهتر است سراغ فعل مرکب نرویم. این کار دو فایده دارد: فعل‌های ساده به تدریج از دایره کار بست در گفتار و نوشتار حذف نمی‌شوند. به روان نویسی و ساده نویسی کمک می‌کنیم.

#زین_قنبداری

شب دکتر محمدجعفر یاحقی در دانشگاه فردوسی برگزار شد

مرد فرهنگ و مدارا

گروه فرهنگ و ادبیات

ششصد و پنجاه و پنجمین شب از شب‌های بخارا به دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی، اختصاص داشت. این مراسم پنجشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۱ در سالن فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. سالنی که شمار صندلی‌هایش به تعداد حاضران در جلسه نبود و بسیاری بیش از سه ساعت زمان برنامه را سر پا ایستادند. علی‌دهباشی، سردبیر مجله بخارا و برگزارکننده شب‌های بسیاری برای بزرگان، در ابتدا معرفی کوتاهی داشت از کسی که این شب به پاسداشت خدمات او به فرهنگ و ادبیات فارسی برگزار شده بود. محمدجعفر یاحقی ۱۸ خرداد ۱۳۲۶ در فردوس به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ دوره کارشناسی را به پایان رساند و در سال ۱۳۵۴ پس از پایان دوره کارشناسی ارشد به پیشنهاد دکتر غلامحسین یوسفی با عنوان مربی در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی استخدام شد. دکتر یاحقی در سال ۱۳۵۹ از پایان‌نامه دکتری خود با راهنمایی دکتر مهرداد بهار در دانشگاه تهران دفاع کرد و در سال ۱۳۷۲ به مرتبه استادی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد رسید. در سال ۱۳۸۴ مؤسسه فرهنگی خردسرای فردوسی را همراه با جمعی از استادان و اهل فرهنگ خراسان بنیاد نهاد که در زمینه‌های خراسان‌شناسی، ایران‌شناسی و فرهنگ و ادبیات فارسی فعالیت می‌کند و انتشار فصلنامه تخصصی پاژ از ثمرات کارهای دکتر یاحقی همچنین ریاست قطب علمی فردوسی و شاهنامه‌را در دانشگاه فردوسی مشهد برعهده دارد و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. از مهم‌ترین آثار دکتر محمدجعفر یاحقی می‌توان به فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تصحیح تاریخ بیهقی (همراه با مهدی سیدی)، تصحیح روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن در بیست جلد (همراه با محمد مهدی ناصح)، تصحیح حدیقه الحقیقه سنایی (همراه با سیدمهدی زرقانی)، مجموعه دودلدی آن‌سال‌ها یادهای کودکی و نوجوانی/ یادهای جوانی و سال‌های دانشجویی) و نوشتن بیش از صد مقاله اشاره کرد. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از سخنان سخنرانان حاضر در این جلسه است.

● تصحیح مهم‌از دکتر یاحقی

دکتر علی‌اشرف صادقی‌وقت نیست که از همه متونی که ایشان تصحیح کرده‌اند، بگویم. اما می‌خواهم سه اثر از ایشان را که مستقیم در گروه فرهنگ‌نویسی، برگه‌نویسی کرده‌ایم و از واژگانش استفاده می‌کنیم، نام ببرم و بگویم که چقدر مفید واقع شده‌اند. یکی از این‌ها تصحیح ابوالفتح رازی است با نام روضه الجنان که در قرن ششم در ری نوشته شده است و بسیار متأثر است از زبان آن دوره ری و اطرافش. تصحیح دکتر یاحقی بهترین تصحیح موجود این اثر است. واژه‌هایی در این اثر هست که تاحدی گویش قدیم ری را براساس آن بازسازی کرده‌ام که امیدوارم به‌زودی منتشر شود. کتاب دیگری که ایشان در سال ۱۳۵۵ تصحیح کرده‌اند، تفسیر شفقوشی است، یک ترجمه تفسیرگونه بسیار ارجمند است که در موقع تعمیرات بخشی از ضریح امام‌رضا^ع بین دیوارها پیدا شد. این ترجمه تفسیر در یکی از روستاهای اطراف نیشابور نوشته شده است و ویژگی‌های زبانی آن منطقه را دارد. واژه‌هایی در این کتاب هست که در هیچ متن دیگری نیست.

ایشان با کمک دانشجویانشان طرح مرحوم دکتر احمدعلی رجایی را که تدوین یک فرهنگ‌نامه قرآنی باشد، به پیش بردند و چندین سال پیش -در دهه هفتاد- این کتاب را در چهار جلد و یک جلد نمایه منتشر کردند. فرهنگ‌نامه‌ای از همه قرآن‌های مترجم که در استان قدس وجود دارد و دارای ارزش تاریخی و زبانی است. این کتاب از لحاظ واژگان فراوانش شده زبان فارسی و تلفظ‌های خاصی از واژه‌هایی که ما در زبان خودمان داریم، بی‌نیاحت ارزشمند است.

● پرداختن به اسطوره و واقعیت‌های تاریخی، ۲ دغدغه دکتر یاحقی است

دکتر قطب‌الدین صادقی‌امن از سی سال پیش به دکتر یاحقی ارادت دارم و به لطف توجه و مهر ایشان توانسته‌ام چند کار نمایشی در زمینه شاهنامه و تاریخ بیهقی انجام دهم. اما باید تیتروار از چهار چیز درباره ایشان صحبت کنم؛ دانش، پژوهش، بینش و روش ایشان.

دانش، به‌نظرم اولین کار ایشان شناخت فرهنگ کلاسیک و حفظ زبان و توسعه آن است. برخلاف برخی متحجران، زبان یک زایده نیست، زبان نه تنها عنصری از فرهنگ، بلکه کل فرهنگ است. از مجرای زبان است که فرهنگ آفریده، آموخته و انباشت می‌شود. نکته دوم در توسعه زبان و ادبیات است. برخلاف آن چیزی که در افواه هست، هم‌نوایی و سازگاری اجتماعی همیشه سازنده نیست، ویرانگر است. بدا به حال جامعه‌ای که خیلی روی این چیزها تکیه کرده است. اساس زبان در تقلید نکردن است، در نداشتن سازگاری یکسان است که از زبان است که بتوانند برای دستیابی به ادبیات و ادبیات و روش ایشان.

یک راه و بیان تازه، بزندان بیرون و جهان را جور دیگری ببینند، بسایزند، بنویسند و تصور کنند. اگر این نباشد، باید منتظر مرگ خلایقیت، مرگ خودجوشی و مرگ آزادی بود. در پرتو نبود یکسان‌سازی در رویکرد ما به زبان و ادبیات است که می‌توانیم همه این‌ها را به دست‌بیآوریم. فکر می‌کنم بزرگ‌ترین مسئله زمان ما جست‌وجوی خویشتن و کشف هویت فردی است و این از طریق زبان و ادبیات متجلی می‌شود. آنچه مایه استقلال یک سرزمین می‌شود، فلسفه و ادبیات است، فلسفه برای اینکه برابر چیزها و همه مشکلاتی که هست، پرسش مطرح می‌کند و ادبیات برای اینکه بر همه زیبایی‌های یک فرهنگ تأکید می‌کند. آن را حفظ و برای نسل‌های بعد زنده می‌کند. علاوه بر استقلال و ستایش زیبایی‌های سرزمین، به قول اندیشمندی، رفاه‌شن از درد هستی می‌تواند بزرگ‌ترین دستاورد ادبیات در هر دوره‌ای باشد.

پژوهش: پژوهش‌هایی که ایشان کرده است، دو محور دارد. من برای اینکه چند نمایشنامه براساس شاهنامه و تاریخ بیهقی نوشته و اجرا کرده‌ام، خودم را از این دو مجرا به دکتر یاحقی وصل کرده‌ام. به‌نظرم ایشان دو دغدغه بزرگ دارند، یکی اصالت فرهنگ اسطوره‌ای ما و ریشه‌ها و ارزش‌های حماسی ادبیات

و تاریخ این سرزمین است که بهترین تجلی آن در شاهنامه است و دومی، در رویکرد ما به واقعیت‌هاست. واقعیت‌های تاریخی که بهترین تجلی آن را در تاریخ بیهقی می‌بینیم. واقعیت تاریخی که امروز ما تداوم آن است. در برابر فرهنگ دروغ، چاپلوسی، کرنش در برابر استبداد، این دو غول، یعنی فردوسی و بیهقی توانسته‌اند قامت برافرازند و بهترین آثارشان را برای ما به یادگار بگذارند. دکتر یاحقی چقدر خوب به این دو پرداخته است.

بینش: در این باره من آن پویایی ذهن دکتر یاحقی را می‌بینم. اینکه چطور فرهنگ دیروز را به امروز منتقل کند. روح پویای ایشان در تبدیل یک اثر کهن و به‌روز کردن آن، همواره با من بوده است. منش: بازتاب همه آموخته‌ها در رفتار است. انتقال دانش به نسل بعد به تأکید نیاز ندارد، آنچه مکمل آن است، نجابت در قلم، روح حساس، نگاه تیزبین، تعالی بخشیدن به مطالب سطحی و تأکید بر وجاهت اجتماعی است.

● پاسداشت یاحقی، نه گفتن به کسانی است که آزادی و انسان‌بود را پاس نمی‌دارند

دکتر نعمت‌ا... فاضلی‌ادر جلسه نکوداشت یکی از انسان‌های مدرن هستیم. موضوع صحبت من به عنوان یک انسان شناس فرهنگی این است که «یاحقی کیست؟» و می‌خواهم از این منظر پاسخی کوتاه بدهم. یاحقی را این‌طور بشناسیم، یک تناقض ظاهری در او هست. شاهنامه پژوه و اسطوره‌شناس است، مثل من در روستا بزرگ شده است، مثل من کراوات نمی‌زند، مثل من ظاهری شیک و پیرزرق و برق ندارد. او ایدئولوگ نیست و برای هیچ ایدئولوژی خدمت نکرده است.

او مستقل است. تفکر مستقل دارد. او به تعبیر چارلز تیلور، اصالت این است که هر فردی بتواند آن یکتایی وجود خودش را، آن تکینگی خودش را روایت کند. یاحقی تکینگی وجود خودش را روایت می‌کند. انسان‌های مدرن تا هزار سال دیگر هم از لحاظ فرهنگی زنده هستند. نسل‌های آینده وقتی از انسان‌های امروز ایران نام می‌برند، حتماً نام یاحقی را خواهند آورد

متفکر و کنج‌کاو و خستگی‌ناپذیرند و در زمانه خودشان زیست می‌کنند و با آن نمی‌جنگند. به تعبیر چارلز تیلور، اصالت این است که هر فردی بتواند آن یکتایی وجود خودش را، آن تکینگی خودش را روایت کند. یاحقی تکینگی وجود خودش را روایت می‌کند. انسان‌های مدرن تا هزار سال دیگر هم از لحاظ فرهنگی زنده هستند. نسل‌های آینده وقتی از انسان‌های امروز ایران نام می‌برند، حتماً نام یاحقی را خواهند آورد. یاحقی به ما می‌آموزد که چگونه خود باشیم و این بزرگ‌ترین دستاورد دنیای مدرن است که به ما یاد می‌دهد خودمان باشیم.

نیروهای عظیمی از بازار تا ایدئولوژی تا حکومت از شما می‌خواهند سرباز باشید، نه سوز، سوزنه نه به‌معنای در انقیاد آمده، به‌معنای نیروی خلاق، فعال، درگیر، اندیشمند، مستقل، کسی که گفت‌وگو می‌کند، پل می‌زند بین گذشته و حال و آینده، سوز، یاحقی است، می‌نویسد، می‌خواند. او نمونه‌اعلای انسان باسواد به‌معنای مدرن آن است که فرهنگ‌های مختلف را دیده است. نمونه‌اعلای انسان معاصر در معلم تجلی پیدا می‌کند.

یاحقی یک معلم است. می‌دانید چرا سنت‌گراها با وجود لفاظی‌هایی که می‌کنند، معلمان را بر نمی‌تابند؟ چون معلم مدرسه جدید می‌خواهد اندیشه مدرن را به ما یاد بدهد و با فرهنگ‌ها و انسان‌های دیگر هم‌نشین می‌شود و مدارا را انجام‌ی‌می‌گیرد. فرهنگ مدرن یعنی فرهنگ مدارا، یعنی فرهنگ تکر و تنوع. فرهنگ و انسان مدرن یعنی گفت‌وگو. آن‌هایی که لفاظی‌هایی می‌کنند از مدارا اما تفاوت را بر نمی‌تابند، آن‌ها بقایا و تفاله‌های عصر نامدربی هستند که خشونت را بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند.

یاحقی‌ها در منش و روش و بینش‌شان مدارا می‌کنند، به معنای اینکه چگونه از فرهنگ‌ها و شیوه‌ها و زبان‌های مختلف بیاموزیم. اینجا جمع شده ایم تا یاحقی را پاس بداریم، چون می‌خواهیم پاس



عکس: رسول کارگر/شهرآر

دست‌کاری کردن در آن را از مقوله هجوم به تابوها و بنابراین خطرناک تلقی می‌کند. دیدگاه دوم وضعیت ذهنی سنت نیز است که نقطه مقابل سنت‌گراست و طرد و نفی کلی سنت را مایه‌رهایی و رستگاری ذهن فردی و جمعی انسان می‌شناسد. دیدگاه فرضی سوم، وضعیت سنت‌مند است. شرط رسیدن به سنت‌مندی، اول رسیدن به خودآگاهی نسبت به چیزی است که اسمش را سنت گذاشته‌ایم. ویژگی دوم سنت‌مندی، ادای احترام به سنت با تغییر سنت است. فقط در صورتی سنت زنده می‌ماند که از طریق بازخوانی انتقادی و بازبینی و بازآفرینی بتوانیم در آن قبض و بسط ایجاد کنیم. انسان سنت‌مند انسانی است که می‌تواند در سنت قبض و بسط ایجاد کند، از طریق بازآفرینی، بازخوانی انتقادی و آفرینش‌های تازه. به قول مارکس هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود. انسان سنت‌مند این را متوجه می‌شود. یاحقی سنت‌مند است و این بس است برای مردی که یک عمر صفت و خصلتش، عملی است.

● شب مهتاب، جشن سده، راز یقا، پلنگ، خاریشت، تاکه، کتاب و بقیه قضایا

دکتر خدیجه پورمحمدی، همسر دکتر یاحقی ۴۵ سال است که زندگی می‌کنیم و آشنایی‌مان با هم را مدیون امام محمد غزالی هستیم. رشته من جغرافیا بود. شاگرد ایشان نبودم، روزی برای کسب اطلاعاتی درباره امام محمد غزالی به اتاق یکی از استادان رفتم. آن استاد نبود، اما دکتر یاحقی تا جایی که دلتان بخواهد به من اطلاعات داد. من هم نشستم و گوش کردم. بعد از ازدواج کریم، او نویسنده چیره‌دستی است که می‌تواند از کاه کوه بسازد. معلمی تواناست. گاهی ما به شاگردان و کلاس‌هایش حسادت می‌کنیم. این قدر کلاس درس را دوست دارد که روز قدم‌اند ۱۸ خرداد ۱۳۵۶ همراه با عابد انیم ساعت کلاس را تعطیل نکرد. هیچ‌وقت تنهایی برای خودش لباس نخرد. ی‌امن برایش خریدم یا به اصرار او نفری رفته‌ایم. یک‌روز خندان آمد خانه، گفتم چی شده است؟ گفت

چون فقط می‌خواند و می‌نوشت است، به چیزهای دیگر اهمیت نداده و نمی‌دهد. اصلاً خرید نمی‌کرد و نمی‌کند. مثلاً اول زندگی ما هیچ مدل سبزیجات را نمی‌شناخت. شاید در طول ۴۵ سال زندگی‌مان سه بار به سینما رفته باشیم که از آن‌ها خواب بود. از هنر پیش‌ها فقط داریوش ارجمند را می‌شناسد. ان هم چون با هم دوست بوده‌اند. موسیقی فقط سنتی و استادشجریان، اما موسیقی تاجیکستان و افغانستان را هم سبکی باشد برایش عالی است و دوست دارد. از تلویزیون فقط راز بقا می‌بیند. عاشق شب مهتاب است. از مراسم سنتی، جشن سده را دوست دارد. از حیوانات اهلی گوسفند را و از حیوانات وحشی پلنگ. هر مثالی که می‌زند، یک پلنگ در آن هست. حیوان خانگی‌اش خاریشت است. از میان درخت‌ها عاشق تاک و انار است. از غذاها عاشق کله‌پاچه. شاید ۱۵ هزار جلد کتاب در خانه ما باشد و جای همه را هم می‌داند و سر راست می‌رود سراغش، اما یک لیوان را نمی‌تواند پیدا کند. بیش از پانزده ساعت را صرف نوشتن و خواندن و نوشتن و تحقیق و ویرایش و... می‌کند. شاید شش ساعت در شبانه‌روز بخوابد. در مهمانی‌ها ساکت است. الا ن که ۷۵ ساله است، ۷۵ کتاب نوشته است. امیدارم صدوبیست‌مین کتابش را منتشر کند. علاوه بر این، گفتارهایی از احمد کریمی حکاک، مهدی امین‌رضوی، محمود امیدسالار، نسرین عسکری، تورج دریایی، آنا کراسنولسکا، عبدالغفور آرزو، شاه‌منصور شاه‌میرزا، عبدالقیوم قویم، گلرخسار صفی‌اوا، خاویر هرناندز، علیم اشرف‌خان، اخلاق آهن، مریم مؤذن، فرهاد داد، رجبعلی لباف خانیکی و ابوالقاسم قوام به‌صورت ویدئویی در این مراسم پخش شد.

این مراسم با همکاری دانشگاه فردوسی، انجمن پائندان، مؤسسه خردسرای فردوسی، قطب علمی فردوسی و شاهنامه، مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد.

بداریم انسان مدرن را و نه بگویم به همه آن‌هایی که آزادی و مدرنیته و تجدد و انسان امروزی را پاس نمی‌دارند.

● نام استاد یاحقی در افغانستان بسیار آشناست

دکتر شمس‌الحق آریان فرامن نکاتی را درباره استاد یاحقی و افغانستان عرض می‌کنم. نخستین شناخت ما از استاد یاحقی در تاجیکستان و بر فراز آرامگاه رودکی صورت گرفت. بار دوم استاد را حدود شش‌هفت سال قبل در کنفرانسی در دانشگاه فردوسی دیدم. بار دیگر از یک سال پیش است که به ایران آمدم. استاد خبرگیر حال و احوال همه فرهنگیانی است که از افغانستان به اینجا آمده‌اند.

ما از زمانی که در افغانستان کتاب‌خوان شدیم، با نام‌های شخصیت‌های ایرانی مانند محمد قزوینی، ذبیح‌ا... صفا، عبدالحسین زرین‌کوب، بهار، خائوری و شخصیت‌های دیگر آشنا بودیم و آثارشان هم در افغانستان زیاد بود و استفاده می‌کردیم. در سال‌های بعدی، آشنایی ما بیشتر با استاد یاحقی بود و از استادان دیگر به افغانستان آثار کم می‌آمد یا نبود. یک جای کار می‌لنگد که کارهای استادان ایرانی به افغانستان نمی‌رود.

کارهای استاد یاحقی را در سه عرصه مشخص تر می‌بینیم که بیان‌نامه هویت ایرانی و هویت ماست، یکی در رابطه با حماسه و اساطیر، بخش دیگر زبان و فرهنگ است و همچنین کار در عرصه اسلام و قرآن و جزو ماست. استاد یاحقی نمادی از فرهنگ و معنویت ایران است. در جامعه کسانی هستند که به‌یمن همت دیگران بالا می‌روند، اما استاد از یک جامعه روستایی فقط با استعداد و توانایی خودش به این عرصه می‌رسد که این هم کمال استعداد و توانایی ایشان است.

● یاحقی تفسیرگر اندیشه هم‌زیستی و مداراست

دکتر محمدحسین پاپلی‌یزدی‌سال ۱۳۴۶ آمدم دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد (فردوسی). در آن زمان که گروه‌ها و تفکرات مختلفی در دانشگاه حضور داشتند، تفریح هم هم نبود، مثلاً خوش‌هاقی قهوه‌خانه‌ای داشت که پاتوق جوانان و استادان جوان‌تر مانند دکتر شریعتی بود و فضای جوان‌پسندی داشت. یا مثلاً مسابقات ورزشی دختران در دانشگاه برگزار می‌شد و مساطی بود و... در آن زمان ما می‌دیدیم جوانی به نام یاحقی با قلابی به نام ناصح رفته‌اند در اتاقی نشسته‌اند و ابوالفتح رازی تصحیح می‌کنند. دانشکده برق درست‌حسابی هم نداشت. این‌ها لامپ هم داشتند که شب‌ها زیر نور لامپ این متون را چیده بودند و تصحیح می‌کردند. یاحقی و آن گروهی که با ایشان کار می‌کردند، مانند مرحوم دکتر ناصح و جوانانی دیگر، این‌ها اندیشه تولید می‌کردند.

یاحقی از سال ۱۳۴۶ تا حالا دنبال تفسیر اندیشه است. اندیشه‌ای که ایران را نگه داشته است، اندیشه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز. اندیشه مدارا، اندیشه زیستن برای آینده. این‌ها در آن زمان در اقیانوسی از ایدئولوژی‌های مختلف نشسته بودند و بیهقی تصحیح می‌کردند و یادکتر رجایی و دکتر یوسفی کار می‌کردند. من می‌روم، یاحقی هم همین‌طور. چیزی که می‌ماند اندیشه است و قدرتمندترین چیز اندیشه است. امثال دکتر یاحقی آمدند، ساختند و فرهنگ و زبان ما را قوی کردند. توسعه از راه فرهنگ است نه از راه انقلاب‌های مخرب. اگر زبان عوض نشود و تحول پیدا نکند، انقلابی اتفاق نمی‌افتد. اگر زبان فارسی صاف و ساده نشده بود، اصلاً انقلاب مشروطه اتفاق نمی‌افتاد. زبان ابزار کار قدرت بود، وقتی ابزار کار مردم شد، تحول پیدا کرد. یاحقی و دوستان‌شان با زبان مردم صحبت کردند، طرفشان مردم است. نه قدرت و ابزار، یاحقی یاحقی‌ماند، مگر کن‌فیکون عجیبی اتفاق بیفتد.

● یاحقی انسان سنت‌مند است

دکتر سیدمهدی زرقانی یاحقی نه سنت‌گراست و نه سنت‌ستیز، او سنت‌مند است. اگر بخواهیم روایت‌های متعدد از سنت را به رسمیت بشناسیم، سه وضعیت فرضی ذهنی قابل تصور است. اول وضعیت ذهنی سنت‌گرا که برای سنت قداستی قائل می‌شود و هرگونه